

آینده تاریک حقوق بین‌الملل در سایه اقدامات امپریالیستی

گزارش ۲
نظم حقوقی بین‌المللی با گذر از فجایع جنگ‌های جهانی و با هدف مهار قدرت‌های سلطه‌جو و تضمین صلح و کرامت انسانی بنیان نهاده شد و امروز پیش از هر زمان دیگری در معرض آزمون قرار دارد. درست است که منشور ملل متحد، کنوانسیون‌های ژنو و سایر اسناد بنیادین حقوق بین‌الملل چارچوبی روشن برای منع تجاوز، حمایت غیر نظامیان و احترام به حاکمیت کشورها منصور شده‌اند اما عملکرد برخی قدرت‌های بزرگ نشان می‌دهد فاصله‌ای جدی میان حقوق مکتوب و رفتار سیاسی وجود دارد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم جامعه جهانی با هدف جلوگیری از تکرار فجایع گذشته، منشور ملل متحد را در سال ۱۹۴۵ تصویب کرد. ماده ۲ بند ۱ منشور، اصل برابری حاکمیت دولت‌ها را به عنوان یکی از اصول بنیادین تثبیت کرد و ماده ۲ بند ۴، تهدید به زور یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت را ممنوع اعلام کرد. این دو اصل ستون‌های اصلی نظم حقوقی نوین را تشکیل می‌دهند، همچنین ماده ۵۱ منشور حق دفاع مشروع را تنها در صورت وقوع حمله مسلحانه به رسمیت شناخت و آن را مقید به اطلاع فوری به شورای امنیت و موقتی بودن تا زمان اقدام شورا کرد و در فصل هفتم منشور در مواد ۳۹ تا ۴۲، اختیار تشخیص تهدید علیه صلح و اتخاذ اقدامات فوری از جمله تحریم‌های اقتصادی (ماده ۴۱) و اقدامات نظامی (ماده ۴۲) را به شورای امنیت واگذار کرد.

در کنار منشور، تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، حمایت از غیرنظامیان، اسرا و مجروحان جنگی را تقویت کرد و با تصویب اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ و لازم‌الاجرا شدن آن در ۲۰۰۳، دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و بعدها جرم تجاوز تأسیس شد. این مجموعه اسناد، نوید بخش استقرار حاکمیت قانون در عرصه بین‌المللی بود اما در عمل، اجرای این قواعد همواره وابسته به اراده سیاسی دولت‌ها باقی ماند.

توسل به زور و چالش تفسیر دفاع مشروع
یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بی‌اعتباری عملی حقوق بین‌الملل، مسئله توسل به زور است. حمله امریکا و یوگوسلاوی متحده در عراق در سال ۲۰۰۳، بدون صدور مجوز جدید از شورای امنیت، نمونه‌ای خاص از این چالش به شمار می‌رود. استدلال اصلی این اقدام، وجود سلاح‌های کشتار جمعی و خطر قریب‌الوقوع بوده ادعایی که بعدها نیز اثبات نشد.

از منظر حقوقی، ماده ۲ بند ۴ منشور اصل منع توسل به زور را مقرر کرده و استثنای آن در ماده ۵۱ صرفاً در صورت وقوع حمله مسلحانه است. بسیاری از حقوقدانان بین‌المللی معتقدند توسعه مفهوم دفاع پیشدستانه یا دفاع پیشگیرانه فراتر از نص منشور است و در صورت پذیرش گسترده، می‌تواند اصل منع توسل به زور را تضعیف کند. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در آرای خود، از جمله در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده (۱۹۸۶)، بر تفسیر مضیق دفاع مشروع و لزوم وجود حمله مسلحانه تأکید کرده است.

این رویه قضایی نشان می‌دهد توسعه بی‌ضابطه مفهوم دفاع مشروع با فلسفه منشور همخوانی ندارد.

تحریم‌های یک‌جانبه و صلاحیت شورای امنیت
تحریم‌ها در نظام حقوق بین‌الملل ابزار پیش‌بینی‌شده‌ای برای حفظ صلح هستند، اما مطابق ماده ۳۹ منشور، تشخیص تهدید علیه صلح در صلاحیت شورای امنیت است و طبق ماده ۴۱ این شورا می‌تواند اقدامات غیرنظامی از جمله قطع روابط اقتصادی را مقرر کند، با این حال در سال‌های اخیر، شاهد گسترش تحریم‌های یک‌جانبه‌ای هستیم که خارج از چارچوب شورای امنیت و مبتنی بر قوانین داخلی برخی کشورها اعمال می‌شوند.



این تحریم‌ها گاه آثار فرامرز می‌دارند و اشخاص و شرکت‌های کشورهای ثالث را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند و به نوعی می‌توان لفظ تحریم‌های ظالمانه را بر آنها جاری ساخت. گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر نیز در خصوص تأثیر منفی اقدامات قهری یک‌جانبه به بهره‌مندی از حقوق بشر، در گزارش‌های خود بارها نسبت به آثار انسانی این تحریم‌ها هشدار داده است. محدودیت در دسترسی به دارو، تجهیزات پزشکی و منابع مالی، نمونه‌هایی از پیامدهای اجتماعی این دست سیاست‌هاست. از منظر حقوقی، اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها (ماده ۲ بند ۷ منشور) و اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، با سیاست‌هایی که به طور گسترده اقتصاد و معیشت مردم را هدف قرار می‌دهد، در تعارض قرار می‌گیرد.

استانداردهای دوگانه و تضعیف اعتماد جهانی
یکی از جدی‌ترین آسیب‌های وارد شده به حقوق بین‌الملل، اعمال استانداردهای دوگانه در مواجهه با نقض هاست.

در برخی بحران‌ها، شورای امنیت با سرعت واکنش نشان می‌دهد، اما در موارد دیگر، به دلیل استفاده از حق وتو از سوی یکی از اعضای دائم، امکان اتخاذ تصمیم الزام‌آور وجود ندارد. ساختار شورای امنیت، به ویژه حق وتو و پنج عضو دائم، در ماده ۲۷ منشور پیش‌بینی شده است و این سازوکار در زمان تأسیس سازمان برای جلب مشارکت قدرت‌های بزرگ طراحی شد اما امروز گاه به مانعی برای اجرای بی‌طرفانه عدالت بدل می‌شود. در شرایطی که یکی از اعضای دائم درگیر منازعه‌ای باشد یا از یکی از طرفین حمایت کند، استفاده از حق وتو می‌تواند روند رسیدگی و واکنش بین‌المللی را متوقف سازد. این وضعیت موجب شکل‌گیری این برداشت در افکار عمومی می‌شود که حقوق بین‌الملل پیش از آنکه مبتنی بر عدالت باشد، تابع موازنه قدرت است.

بی‌کیفرمانی و چالش صلاحیت قضایی
دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس اصل تکمیلی بودن عمل می‌کند و زمانی وارد رسیدگی می‌شود که دولت‌ها قادر یا مایل به تعقیب واقعی نباشند، با این حال، برخی قدرت‌های بزرگ عضو اساسنامه نیستند یا همکاری محدودی با دیوان دارند.

این امر موجب شده است اجرای عدالت کیفری بین‌المللی در مواردی با دشواری روبه‌رو شود. در حالی که هدف از تأسیس دیوان مقابله با بی‌کیفرمانی بود، عدم عضویت یا عدم همکاری برخی دولت‌های قدرتمند، این تصور را تقویت می‌کند که عدالت بین‌المللی به‌طور یکسان اعمال نمی‌شود.

جنگ‌های نوین و چالش‌های حقوق بشر دوستانه
درگیری‌های معاصر با استفاده از فناوری‌های نوین نظامی، پهپادها و عملیات سایبری، پرسش‌های جدیدی را پیش روی حقوق بشر دوستانه قرار داده است، با این حال، اصول بنیادین تمایز میان غیرنظامیان و اهداف نظامی و اصل تناسب، همچنان لازم‌الاجرا هستند. گزارش‌های نهادهای تحقیقاتی سازمان ملل در محاصرات مختلف، بارها بر لزوم رعایت این اصول تأکید کرده‌اند.

استمرار حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی، بیمارستان‌ها و مراکز خدمات عمومی، تنها نقض تعهدات قراردادی در چارچوب کنوانسیون‌های ژنو محسوب نمی‌شود بلکه اعتبار نظام حمایتی حقوق بشر دوستانه را نیز زیر سؤال می‌برد.

اصلاح ساختاری یا ندادوم بی‌نظمی؟
بحث اصلاح شورای امنیت و بازنگری در سازوکار حق وتو، سال‌هاست در محافل حقوقی و دیپلماتیک مطرح است.

پیشنهادهایی همچون محدودسازی استفاده از وتو در موارد وقوع جنایات گسترده بین‌المللی یا افزایش تعداد اعضای دائم و غیردائم، با هدف بازتاب بهتر واقعیت‌های ژئوپلیتیک امروز ارائه شده‌اند، با این حال، تحقق این اصلاحات نیازمند موافقت همان اعضای دائمی است که از ساختار فعلی بهره‌مندند.

این تعارض منافع، روند اصلاح را با کندی مواجه کرده و در چنین شرایطی، آینده حقوق بین‌الملل در گرو اراده دولت‌ها برای بازگشت به اصول بنیادین منشور و پرهیز از تفسیرهای ابزاری از قواعد مشترک است. استمرار اقدامات امپریالیستی، استفاده گزینشی از حقوق بشر و توسل به ابزارهای فشار اقتصادی و نظامی، می‌تواند نظم مبتنی بر قواعد را به نظامی مبتنی بر قدرت تبدیل کند؛ نظامی که در آن امنیت جمعی جای خود را به رقابت‌های پرتنش خواهد داد.



روایت تکان‌دهنده جداسدگان پژاک از بردگی نوین زنان و سوءاستفاده از نوجوانان در محضر قانون

دادخواهی علیه پژاک

جذب وعده‌هایی چون بهبود وضعیت مالی، امکان خروج از کشور، ادامه زندگی در خارج، امنیت، آموزش و حتی تشکیل خانواده به او داده شد.

عضو سابق تصریح کرد که پس از ورود به ساختار تشکیلات، مشخص شد هیچ یک از وعده‌ها واقعیت ندارد و حتی ابتدایی‌ترین امکانات زیستی نیز فراهم نیست. این شاهد ادامه داد و گفت از تباط با خانواده به طور کامل قطع شد و اعضا تحت نظارت دائمی قرار گرفتند، خروج از گروه عملاً ممکن نبوده و تنها راه جدایی فرار از منطقه استقرار بوده است. این اظهارات اگر در چارچوب ادله تکمیلی مورد تأیید قرار گیرد، می‌تواند از منظر حقوقی مصداق فریب در جذب، سلب آزادی غیرقانونی و اجبار سازمانی تلقی شود؛ عناوینی که در حقوق کیفری و همچنین در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد توجه و اهمیت واقع می‌شوند.

تمرکز بر نوجوانان و نقض آشکار موازین حمایتی
در ادامه جلسه قاضی به جذب هدفمند نوجوانان اشاره و اظهار کرد که قرائن موجود نشان می‌دهد این گروه به‌صورت برنامه‌ریزی شده سراغ کودکان و نوجوانان می‌رود زیرا در سنین پایین‌تر قدرت تحلیل و مقاومت در برابر القانات ایدئولوژیک کمتر است. بر اساس اصول مسلم حقوق بین‌الملل، به ویژه کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل الحاقی آن درباره منع به کارگیری کودکان در محاصرات مسلحانه، هرگونه جذب افراد زیر ۱۸ سال در فعالیت‌های نظامی یا شبه‌نظامی ممنوع است. در صورت اثبات این مهم موضوع می‌تواند در سطح بین‌المللی نیز واجد پیگرد باشد.

زنان در حصار تشکیلات و ادعای بردگی نوین
از تکان‌دهنده‌ترین بخش‌های اظهارات جداسدگان، روایت مربوط به وضعیت زنان بود.

به گفتن عضوهای سابق، زنان در چارچوبی کاملاً بسته و تحت کنترل شدید تشکیلات نگهداری می‌شوند و امکان تصمیم‌گیری مستقل در خصوص زندگی شخصی، ازدواج، فرزندآوری یا بازگشت به خانواده را ندارند. یکی از شهود حاضر اظهار داشت که در آنجا مفهومی به نام «توسل به زور و چالش تفسیر دفاع مشروع» وجود ندارد.

این اظهارات در سنین پایین‌تر قدرت تحلیل و مقاومت در برابر القانات ایدئولوژیک کمتر است. بر اساس اصول مسلم حقوق بین‌الملل، به ویژه کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل الحاقی آن درباره منع به کارگیری کودکان در محاصرات مسلحانه، هرگونه جذب افراد زیر ۱۸ سال در فعالیت‌های نظامی یا شبه‌نظامی ممنوع است. در صورت اثبات این مهم موضوع می‌تواند در سطح بین‌المللی نیز واجد پیگرد باشد.

یکی از شهود حاضر اظهار داشت که در آنجا مفهومی به نام «توسل به زور و چالش تفسیر دفاع مشروع» وجود ندارد. این اظهارات در سنین پایین‌تر قدرت تحلیل و مقاومت در برابر القانات ایدئولوژیک کمتر است. بر اساس اصول مسلم حقوق بین‌الملل، به ویژه کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل الحاقی آن درباره منع به کارگیری کودکان در محاصرات مسلحانه، هرگونه جذب افراد زیر ۱۸ سال در فعالیت‌های نظامی یا شبه‌نظامی ممنوع است. در صورت اثبات این مهم موضوع می‌تواند در سطح بین‌المللی نیز واجد پیگرد باشد.

جلسه رسیدگی به پرونده دادخواهی خانواده‌های شهدای اقدامات تروریستی گروه پژاک، در شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی ویژه رسیدگی به دعاوی بین‌المللی تهران در استان کردستان برگزار شد.

این جلسه صحنه‌ای برای بازگویی روایت‌هایی بود که از درون یک تشکیلات مسلحانه و ایدئولوژیک بیرون آمده است و اعضای جداشده این گروه، در برابر قاضی و وکلای طرفین، از سازوکار جذب فریبکارانه، سلب آزادی‌های فردی، قطع ارتباط با خانواده، آموزش‌های نظامی و نگهداری زنان در شرایطی شبیه بردگی سخن گفتند؛ اظهاراتی که در صورت اثبات، نه تنها ایجاد کیفری داخلی بلکه مسئولیت‌های بین‌المللی حامیان این گروه را نیز دربر خواهد داشت.

در ابتدای جلسه قاضی رسیدگی کننده با اشاره به رعایت تشریفات قانونی ابلاغ، اعلام کرد که پرونده با دادخواست خانواده‌های شهدا و جانبازان ناشی از اقدامات گروه پژاک تشکیل شده و ابلاغ‌های لازم مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی انجام گرفته است.

خواندگان خارجی و طی مراحل قانونی، دادگاه از حیث شکلی منعی برای رسیدگی ندارد.

قاضی همچنین تأکید کرد که موضوع پرونده، صرفاً طرح یک ادعای سیاسی نیست، بلکه دعوی حقوقی با استناد به خسارات مادی و معنوی وارد شده به خانواده‌هاست؛ خساراتی که بنا بر ادعای خواهان‌ها، ناشی از اقدامات مسلحانه و سازمان یافته این گروه بوده است.

روایت جداسدگان از وعده‌های دروغین تا واقعیت تلخ اردوگاه‌ها

بخش مهمی از جلسه به استماع اظهارات اعضای جداشده اختصاص داشت. یکی از این افراد در جایگاه حاضر شد و با تشریح نحوه آشنایی خود با گروه، گفت که در اواخر ۱۳۹۰ از طریق فضای مجازی و از تباط با فردی واسطه مورد جذب قرار گرفته است. به گفته او در فرایند

کالای گرانی را از طریق سایت اینترنتی خریداری و مبلغی را هم واریز کردیم

اما فروشنده پاسخ درستی نمی‌دهد و کالای خریداری شده را به بهانه‌های ناموجهی ارسال نمی‌کند. چاره چیست و چگونه باید شکایت کرد؟

اکنون بسیاری از کارها از طریق سایت‌های اینترنتی انجام می‌شود، به عنوان مثال تراکنش‌های مالی،



خریدهای اینترنتی و غیر اینها به سادگی از طریق سایت‌های اینترنتی و حتی نرم‌افزارهای ارتباطی انجام می‌شود و همین موضوع سبب می‌شود که اختلافات حقوقی و مشکلاتی در روابط بین خریداران و فروشنده‌گان خدمات از طریق سایت‌های اینترنتی انجام شود.

مهم‌ترین روش‌های شکایت از سایت‌های اینترنتی را می‌توان در چند محور مورد بحث و بررسی قرار داد:

۱) شکایت از سایت‌های اینترنتی از طریق سایت‌های نماد است.

به این منظور شاکی می‌تواند به سایت enamad.ir مراجعه و پس از ثبت‌نام در این سایت اقدام به طرح شکایت و مدارک را ضمیمه کند.

۲) شکایت از سایت‌های اینترنتی از طریق پلیس فتا که برای شکایت از سایت‌های اینترنتی از طریق پلیس فتا می‌توانید به سایت cyberpolice.ir

وارد شده و در سایت ثبت‌نام و تخلص سایت‌ها را در سامانه ثبت کنید و نیز شکایت از سایت‌های اینترنتی از طریق مراجع قضایی است که برای شکایت از سایت‌های اینترنتی به این شیوه می‌توانید بنا مراجعه به یکی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی شکوایه‌ای ارائه و مستندات خود را ضمیمه آن کنید.

۳) وصیت زاید بر ثلث چیست؟
بر اساس قانون مدنی، وصیت زاید بر ثلث، غیر نافذ است، یعنی ورثه متوفی، می‌توانند مقدار وصیتی را که بیشتر از یک‌سوم تر است قبول کرده و به آن عمل یا آن را نپذیرفته و رد کنند، اما در هر حال، عمل کردن به وصیت تا یک‌سوم، واجب و الزامی است، بنابراین از جمله آثار وصیت مازاد بر

به عنوان نمونه، در صورتی که ترکه متوفی، به یک سوم از تنفیذ دیگری، آن را رد کند، شخصی که وصیت را تنفیذ کرده است، باید ۵۰ میلیون از سهم‌الارث خود را برای تنفیذ کردن وصیت پدر، صرفاً از سهم دیگر دیگر وصیت مازاد بر الارث دیگران.

به عنوان نمونه، در صورتی که ترکه متوفی، به یک سوم از تنفیذ دیگری، آن را رد کند، شخصی که وصیت را تنفیذ کرده است، باید ۵۰ میلیون از سهم‌الارث خود را برای تنفیذ کردن وصیت پدر، صرفاً از سهم دیگر دیگر وصیت مازاد بر الارث دیگران.

به عنوان نمونه، در صورتی که ترکه متوفی، به یک سوم از تنفیذ دیگری، آن را رد کند، شخصی که وصیت را تنفیذ کرده است، باید ۵۰ میلیون از سهم‌الارث خود را برای تنفیذ کردن وصیت پدر، صرفاً از سهم دیگر دیگر وصیت مازاد بر الارث دیگران.

نام خانواده وجود ندارد و روابط انسانی طبیعی جای خود را به روابط تشکیلاتی و دستوری داده است. وی افزود که زنان عمدتاً برای پیشبرد اهداف تبلیغاتی و ایدئولوژیک مورد استفاده قرار می‌گیرند.

با اثبات این ادعاها در فرایند رسیدگی، این مهم قابل عنوان است که رفتار محقق شده با اصول بنیادین کرامت انسانی، منع رفتار غیرانسانی و اسناد بین‌المللی حمایت از حقوق زنان در تعارض آشکار است. در حقوق داخلی نیز هرگونه اجبار، حبس غیرقانونی و محروم‌سازی از حقوق اساسی، واجد وصف مجرمانه است.

آموزش‌های نظامی و عملیات مسلحانه
اعضای سابق و شاهدان همچنین از دوره‌های آموزش نظامی و ایدئولوژیک سخن گفتند.

پس از گذراندن مراحل موسوم به آموزش عقیدتی، افراد برای کار با سلاح، عملیات میدانی و آموزش‌های خاص آماده می‌شدند.

در همین راستا، وکیل خواهان به کشف مقادیری سلاح و تجهیزات عمدتاً منشأ خارجی داشته‌اند، همچنین استدلال کرد که چنین تجهیزاتی بدون حمایت و پشتیبانی بیرونی قابل تأمین نیست.

از منظر حقوق کیفری، سازماندهی، آموزش و اعزام نیرو برای اقدامات مسلحانه علیه امنیت کشور، مصداق بارز جرم علیه امنیت داخلی محسوب می‌شود، همچنین حمایت مالی و تجهیزاتی از چنین گروه‌هایی می‌تواند در چارچوب مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بررسی شود.

فشار بر خانواده‌ها و بُعد انسانی پرونده
در بخشی دیگر از جلسه، یکی از همسران شهدای اقدامات این گروه در جایگاه حاضر شد و از تماس‌ها و فشارهایی سخن گفت که پس از شهادت همسرش متحمل شده است. وی اظهار کرد که افرادی با او تماس گرفته و تلاش کرده‌اند از شرایط روحی و اقتصادی او سوءاستفاده کنند. این روایت‌ها نشان می‌دهد آسیب اقدامات تروریستی، صرفاً به لحظه وقوع جرم محدود نیست و آثار روانی، اجتماعی و اقتصادی آن سال‌ها بر زندگی بازماندگان سایه می‌افکند.

پرسش حقوقی

۳۰۰ میلیون تومان باشد و دو فرزند پسر داشته باشد، وصیت، صرفاً تا میزان ۱۰۰ میلیون تومان آن نافذ است.

حال اگر متوفی، به اندازه ۲۰۰ میلیون تومان وصیت کرده باشد، تا ۱۰۰ میلیون تومان آن، کاملاً صحیح و معتبر بوده، حتی اگر وصیت‌نامه شفاهی باشد، اما ۱۰۰ میلیون تومان دیگر آن، زاید بر ثلث است.

در این صورت، اگر یکی از فرزندان پسر، وصیت زاید



بر یک سوم از تنفیذ دیگری، آن را رد کند، شخصی که وصیت را تنفیذ کرده است، باید ۵۰ میلیون از سهم‌الارث خود را برای تنفیذ کردن وصیت پدر، صرفاً از سهم دیگر دیگر وصیت مازاد بر الارث دیگران.

به عنوان نمونه، در صورتی که ترکه متوفی، به یک سوم از تنفیذ دیگری، آن را رد کند، شخصی که وصیت را تنفیذ کرده است، باید ۵۰ میلیون از سهم‌الارث خود را برای تنفیذ کردن وصیت پدر، صرفاً از سهم دیگر دیگر وصیت مازاد بر الارث دیگران.